

هایدگر و تمایزات فلسفه با «جهان بینی»، «متافیزیک» و «اندیشیدن»

مرغیہ / راسیابی

انتشارات حدیث صادق

1072651

سرشناسه	: افراسیابی، مرضیه، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام	: هایدگر و تمایزات فلسفه با "جهان بینی"، "متافیزیک" و
پدیدآور	"اندیشیدن" / مرضیه افراسیابی.
مشخصات نشر	: تهران: حدیث صادق، ۱۳۹۶.
مشخصات	: ۲۵۸ص.
ظاهری	
شابک	: 978-600-97021-1-4
وضعیت فهرست	: فیفا
نویس	
موضوع	: هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹ - ۱۹۷۶م. -- نقد و تفسیر
موضوع	: Heidegger , Martin-- Criticism and interpretation
موضوع	: فلسفه جدید -- قرن ۲۰م.
موضوع	: Philosophy, Modern -- 20th century
رده بندی کنگره	: ۱۳۷۹B / ۲۹۹الف / ۱۳۹۴۷
رده بندی دیویی	: ۱۹۳
شماره	: ۳۰۵۶۴۲۲
کتابشناسی ملی	

نام کتاب: هایدگر و تمایزات فلسفه با جهان بینی مسافریک و اندیشیدن

نویسنده: مرضیه افراسیابی

ناشر: حدیث صادق

نوبت چاپ: اول

شابک: 978-600-97021-1-4

تیراژ: ۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای انتشارات حدیث صادق محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف	۴
بخش اول: هایدگر و تمایزات فلسفه و جهان‌بینی (دوره‌ی نخست تفکر هایدگر)	۱۱
مقدمه	۱۲
فصل اول: چیستی فلسفه نزد هایدگر در دوره اول تفکر وی	۱۵
فصل دوم: چیستی جهان‌بینی نزد هایدگر در دوره اول تفکر وی	۵۴
فصل سوم: نسبت فلسفه و جهان‌بینی از دیدگاه هایدگر در دوره اول تفکر وی	۶۲
نتیجه‌گیری بخش اول	۷۳
بخش دوم: هایدگر و تمایزات فلسفه و متافیزیک (دوره دوم تفکر هایدگر)	۷۶
مقدمه	۷۷
فصل اول: چیستی فلسفه از نظر هایدگر در دوره دوم فکری او	۸۰
فصل دوم: چیستی متافیزیک از نظر هایدگر در دوران دوم تفکر وی	۸۴
فصل سوم: نسبت متافیزیک و فلسفه از نظر هایدگر در دوران دوم تفکر وی	۱۲۰
نتیجه‌گیری بخش دوم	۱۲۴
بخش سوم: هایدگر و تمایزات فلسفه و اندیشه (دوره‌ی سوم تفکر هایدگر)	۱۲۶
مقدمه	۱۲۷
فصل اول: چیستی فلسفه از نظر هایدگر در دوره سوم تفکر وی	۱۳۰
فصل دوم: چیستی اندیشیدن اصیل از نظر هایدگر در دوره سوم تفکر وی	۱۵۰
فصل سوم: نسبت اندیشیدن و فلسفه از نظر هایدگر در دوره سوم تفکر وی	۲۰۴
نتیجه‌گیری بخش سوم	۲۳۱
نتیجه‌گیری و خاتمه بحث	۲۳۳

مقدمه مؤلف

«مفهوم فلسفه اصیل‌ترین و والاترین پیامد برخاسته از خود فلسفه است. همین‌طور، این پرسش که آیا اساساً فلسفه ممکن است یا نه، صرفاً از سوی خود فلسفه می‌تواند پاسخ داده شود»¹

مارتین هایدگر

پرسش از چیستی هر معرفتی و تعیین حدود و ثغور آن با معارف دیگر، اصلی‌ترین و در عین حال دشوارترین پرسش آن معرفت است. در این میان پرسش از چیستی «فلسفه» به عنوان معرفتی که خود عهده‌دار تبیین ماهیت علوم و حدود و ثغور آنهاست، دشوارتر از پرسش از چیستی دیگر معارف به نظر می‌رسد؛ به گونه‌ای که می‌توان خود این پرسش را یک مسئله دشوار و در عین حال پراهمیت فلسفی برشمرد، از همین روست که بسیاری از فیلسوفان و متعاطیان بزرگ فلسفه به این مسئله‌ی فلسفی یعنی «چیستی فلسفه» پرداخته‌اند.

مارتین هایدگر در تأملات خود پیرامون چیستی فلسفه بیان می‌دارد: «پرسش از ماهیت چیزی هنگامی پدید می‌آید که آنچه از ماهیتش پرسش می‌شود، مبهم شده باشد، و در عین حال نسبت انسان با آنچه از آن پرسش می‌کند، دچار نوسان یا حتی تزلزل شود»². اگر این سخن هایدگر را بپذیریم باید عنوان کنیم که ما اکنون در چنین زمانی زندگی می‌کنیم، و نشانه این مسئله نیز بحث‌های فراوان بسیاری از فلاسفه معاصر پیرامون ماهیت فلسفه است که طی آن دیدگاه‌های متفاوتی را در خصوص چیستی فلسفه و تمایز آن با دیگر علوم و روش فلسفه و

¹ Martin Heidegger; the basic problems of phenomenology; p.4

² Martin Heidegger, what is philosophy, p.43

شاخه‌های مختلف آن ارائه کرده‌اند. در این میان یکی از فلاسفه‌ی شهیر و نامی معاصر که در طول تفکر خویش عمیقاً به مسئله‌ی چیستی فلسفه پرداخته مارتین هایدگر است.

مارتین هایدگر به عنوان یکی از بزرگترین فلاسفه قرن بیست شناخته می‌شود، کسی که نه تنها بر فلاسفه پس از خود بسیار تأثیر گذاشت، بلکه تعداد زیادی از متفکران علوم اجتماعی، دین‌شناسان، منتقدین ادبی و... نیز خود را وامدار هایدگر می‌دانند. در میان فلاسفه بزرگی که متأثر از هایدگر هستند می‌توان به کسانی همچون ژان پل سارتر، میشل فوکو، ژاک دریدا، هانس گئورگ گادامر، چارلز تیلور و ریچارد روتی اشاره کرد. فوکو خود در خصوص تأثیرپذیری‌اش از هایدگر می‌گوید: «هایدگر برای من همیشه فیلسوف اصلی بوده است ... من هنوز یادداشت‌هایی را که هنگام مطالعه آثار هایدگر برداشته‌ام دارم مقدار بسیار زیادی از این یادداشت‌ها را دارم و این یادداشت‌ها بسیار مهم‌تر از آن‌هایی است که هنگام مطالعه هگل یا مارکس برداشته‌ام. تمامی پیشرفت فلسفی من با مطالعه هایدگر جهت پیدا کرد^۱». حتی بررگن «باب ماس نیز که یکی از جدی‌ترین منتقدین هایدگر است در خصوص او چنین می‌گوید: «در پرداختن به هایدگر متقدم در کارهای من مشهود است»، و تأیید می‌کند که هایدگر «با هستی و زمان ... اثبات کرد که یک متفکر رده اول است»، او نتیجه می‌گیرد که «شروع جدید هایدگر هنوز نیز عمیق‌ترین نقطه چرخش فلسفه آلمان از زمان هگل است^۲». در این میان، دریفوس^۳ عقیده دارد که دایره تأثیر هایدگر مدام گسترده‌تر نیز می‌شود و این مطلب با توجه به کتاب‌ها و مقالات فراوان موجود درباره هایدگر آشکار است. به گفته دریفوس اهمیت هایدگر تنها در این خلاصه نمی‌شود که او تقریباً درباره تمام چهره‌های مهم فلسفه از آناکسیماندروس تا نیچه نوشته است، و حتی به این نیز محدود نمی‌شود که نوشته‌های او تقریباً به تمامی حوزه‌های فلسفه از

^۱ Quoted by: Herbert Dreyfus; Heidegger: A critical reader; ed. Herbert Dreyfus & Harrison Hall; Blackwell; 1992; p.1

^۲ Ibid: p.2

^۳ Herbert L. Dreyfus

زیبایی‌شناسی و اخلاق گرفته تا دین و فلسفه علم و منطق مرتبط است، بلکه نکته مهم این است که تفکر او از گونه‌ای دیگر است که به ندرت می‌توان نظیر آن را در فلاسفه دیگر یافت، چرا که او به انتزاعی‌ترین مباحث چنان می‌پردازد که در زندگی روزمره نیز تأثیرات فراوانی می‌گذارد: «چه چیزی می‌تواند انتزاعی‌تر از پرسش از معانی مختلف هستی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر باشد که هایدگر می‌گوید که در تمام مدت عمرش بدان مشغول بوده است. با این حال هایدگر می‌خواست که کارش «گذر از محدوده تنگ فلسفه دانشگاهی و رسیدن به حوزه بسیار گسترده‌تر برای استفاده تاداد بسیار زیادی از افراد باشد»^۱. در این میان یکی از مسائل مهم و بنیادی که هایدگر به آن می‌پردازد پرسش از چیستی فلسفه است، به گونه‌ای که می‌توان ردای این پرسش را در بسیاری از آثار هایدگر جستجو کرد.

با توجه به اهمیت مسئله «چیستی فلسفه» از یکسو و هم چنین با توجه به اهمیت مارتین هایدگر در بین فلاسفه‌ی معاصر از سوی دیگر، هدف اصلی این نوشتار در ابتدای امر فهم «چیستی فلسفه نزد هایدگر» بود. مطالعات انجام شده در این حیطه نگارنده را به این نتیجه رساند که می‌توان دریافت هایدگر از «چیستی فلسفه» را در سه دوره‌ی زمانی مورد بررسی قرار داد، چرا که چنین به نظر می‌رسد که هایدگر در سه دوره‌ی زمانی متفاوت در تندر خویش، فلسفه را در نسبت با مفاهیم متفاوتی تعریف می‌کند؛ به این نحو که در دوره‌ی اول تفکر خودش در خصوص چیستی فلسفه، به شکلی متأثر از سوسر^۲ فلسفه را در نسبت با جهان بینی و در حقیقت در تقابل با جهان بینی تعریف می‌نماید؛ و در دوره‌ی دوم فکری خود، به نحوی تحت تأثیر نیچه، فلسفه را در نسبت با «تألیزیک» و در مقابل آن مطرح می‌کند و تا این دوره نگرش مثبتی به فلسفه دارد؛ اما او نهایتاً در سومین دوره از تفکر خود فلسفه را مترادف با «تألیزیک» و با نگرشی نسبتاً منفی معرفی می‌کند و آن را در مقابل «تفکر» - که مهم‌ترین نیاز عصر حاضر است - به کار می‌برد.

^۱ Ibid, p.2

بر همین اساس نوشتار حاضر در سه بخش تقسیم و تدوین شد که در هر بخش یکی از این دوره های فکری هایدگر مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و در هر دوره، فلسفه در نسبتی که با هر یک از مفاهیم «جهان بینی»، «متافیزیک» و «تفکر» دارد تعریف می شود و تمایز فلسفه با هر یک از این مفاهیم بیان می گردد. البته در نهایت چنین به نظر می رسد که مسیر تفکر هایدگر مسئله و جریان واحدی را دنبال می کند و آن مسئله دستیابی به تفکری اصیل است که گمشده ی جهان امروز است، در همین راستا او که در دوره ی اول تفکر خویش در جستجوی فلسفه ی اصیل است که معطوف به وجود باشد - و نه موجودات، چنین بیان می دارد که تمام فلسفه های گذشته به نوعی مرتبط با جهان بینی بوده اند، و از این رو هدف خود را این می داند که به تمایز بنیادین «فلسفه» و «جهان بینی» اشاره کند و در پی ارائه ی تعریف جدیدی از فلسفه برمی آید که به شکلی اساسی در مقابل جهان بینی قرار می گیرد و بیان می دارد که در مقابل جهان بینی که به وجود می پردازد، فلسفه «عالم جرد» است؛ در دوره ی دوم نیز تحت تأثیر نیچه تمام سنت فلسفی گذشته از ارسطو تا نیچه را به عنوان «متافیزیک» معرفی می کند که به جای پرداختن به وجود به موضوع شناسی محدود شده است، بر این اساس او فلسفه ی مدّ نظر خودش را در مقابل متافیزیک امری معرفی می کند که به تفکر وجود می پردازد؛ او در دوره ی سوم نیز همانند دو دوره ی قبل به تفکری اصیل می اندیشد که در مقابل تفکر و فلسفه ی رایج معاصر به وجود باشد - نه موجودات - و بر این اساس در این مرحله از تفکر خویش گویی به این نتیجه می رسد که در پی دستیابی به چنین تفکری باید هرگونه میراث سنتی تفکر فلسفی غرب از جمله اصطلاحات فلسفه ی سنتی همانند هستی شناسی و خود واژه ی فلسفه را به کناری نهاد. از این روست که او در این دوره از واژه ی فلسفه عدول می کند و به جای آن از واژه ی «تفکر» - یا «اندیشیدن» - استفاده می نماید.

اما هر یک از این سه دوره در چه سال هایی از حیات هایدگر واقع شده اند؟ مطمئناً با توجه به پیوستگی سیر تفکر هایدگر که به آن اشاره شد، نمی توان دقیقاً یک زمان تاریخی را بیان کرد که مرز واضح و مشخصی باشد که یک دوره از تفکر هایدگر را از دوره ی دیگر آن جدا سازد؛ اما با این وجود می توان در درجه نخست با

مراجعه به آثار هایدگر و سپس رجوع به آرای مفسرین نظریات او دریافت که در هر دوره زمانی به نحو نسبی کدام یک از این سه دیدگاه نقش محوری را در تفکر وی پیرامون چیستی فلسفه بازی می کرده است. بر این اساس، متن حاضر بر مبنای چنین تقسیم‌بندی شکل گرفته است: دوره‌ی اول فکری هایدگر از حدود سال ۱۹۱۰ آغاز می‌شود و تا حدود ۱۹۳۴ را در بر می‌گیرد، در این دوره مسئله‌ی تمایز فلسفه و جهان بینی و تعریف فلسفه بر اساس در نظر داشتن این تمایز جایگاه اصلی را نزد هایدگر در خصوص دیدگاه او پیرامون چیستی فلسفه دارد. دوره‌ی دوم فکری هایدگر در خصوص تعریف فلسفه، حدوداً بین سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۵ را در بر می‌گیرد که چنانکه بیان شد، هایدگر طی آن متأثر از نیچه فلسفه را در مقابل متافیزیک، در تمایز با آن تعریف می‌کند. دوره سوم فکری نیز از حدود سال ۱۹۴۵ آغاز می‌شود، تا پایان عمر یعنی تا ۱۹۷۶ را در بر می‌گیرد، همان‌گونه بیان شد وجه ممیزه‌ی این دوره با دوره‌های قبل در این است که هایدگر در این دوره دیگر واژه‌ی فلسفه را حوش می‌دارد و در مقابل از واژه‌ی «تفکر» استفاده می‌کند. بنابراین، در این دوره از تفکر سود فلسفه را در مقابل تفکر و در تمایز با آن تعریف می‌کند، چنانکه بیان شد چنین تقسیم‌بندی با متن آثار هایدگر نیز سازگار است.^۱

بر این اساس، به تناسب دوره‌هایی که بیان شد، بخش اول این نوشتار به مسئله‌ی تمایز فلسفه و جهان بینی از دیدگاه هایدگر می‌پردازد. این بخش، در سه فصل تدوین شده که در فصل اول آن چیستی فلسفه در دوره‌ی اول تفکر هایدگر مورد بحث قرار می‌گیرد، در فصل دوم به مسئله‌ی چیستی جهان بینی از دیدگاه هایدگر در دوره‌ی نخست فکری او اشاره می‌شود، و در فصل سوم نسبت میان فلسفه و جهان بینی در دوره‌ی اول فکری هایدگر بیان می‌گردد. بخش دوم این نوشتار نیز با توجه به آنچه بیان شد مسئله‌ی تمایز فلسفه و متافیزیک از دیدگاه هایدگر در دوره‌ی دوم فکری او را در نظر دارد، و مطابق با این موضوع در سه فصل تدوین شده که در فصل اول مسئله‌ی چیستی فلسفه از دیدگاه هایدگر در دوره‌ی دوم فکری او مورد بحث قرار می‌گیرد و در فصل دوم به چیستی متافیزیک از

^۱ برای دستیابی به عناوین آثار هایدگر مبتنی بر زمان ارائه آن‌ها ر.ک. ضمیمه صص ۱۴۷-۱۵۴

دیدگاه هایدگر در این دوره از تفکرش اشاره می‌شود و در نهایت در فصل سوم نسبت میان فلسفه و متافیزیک از دیدگاه هایدگر در دوران دوم تفکر وی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت بخش سوم این نوشتار با عنوان اصلی تمایز فلسفه و تفکر در سه فصل نسبت فلسفه و تفکر را مورد بررسی قرار می‌دهد، بدین نحو که به ترتیب در فصل اول این بخش مسئله‌ی چیستی فلسفه از دیدگاه هایدگر در دوره‌ی سوم تفکر او بر اساس کتاب «فلسفه چیست؟»^۱ (۱۹۵۶) هایدگر بیان می‌شود، و در فصل دوم چیستی تفکر از دیدگاه هایدگر در دوره‌ی سوم تفکر او مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و نهایتاً در فصل سوم این بخش نسبت فلسفه و تفکر از دیدگاه هایدگر در این دوره از تفکر وی بیان خواهد شد.

نکته قابل ذکر دیگر در خصوص چگونگی کاربرد واژگان در این نوشتار است. در متن حاضر لفظ «وجود» مترادف با لفظ «هستی» و هم چنین لفظ «موجود» در همان معنای «هستنده» به کار رفته است؛ علاوه بر این، دو واژه‌ی «تفکر» و «اندیشیدن» نیز در این نوشتار به یک معنا به کار رفته‌اند.

در پایان بر خود فرض می‌دانم این اساتید گرانقدر و ارجمندی که به لطف خویش این اثر را مورد بررسی و بازبینی قرار دادند، تشکر کنم؛ از جمله از جناب آقای دکتر حسین مصباحیان که نوشتار را به رسم مساعدت و الطاف ایشان است، و از جناب آقای دکتر حمید طالب زاده و دکتر همد خاتمی که راهنمایی‌های ارزنده‌شان راهگشای بسیاری از مطالب نوشتار حاضر بوده است، تشکر و قدردانی می‌کنم و به رسم ادب این برگ سبز ناچیز را به این اساتید گرانقدر تقدیم می‌دارم.

^۱ What is philosophy?